

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

۱۹.۰۱.۱۰

CIA

در افغانستان

به ادامه گذشته:

## اهداف "سی.ای.ای" در افغانستان:

از آنجائیکه "سی.ای.ای" به مثابه بخشی از ماشین سرکوب امپریالیزم امریکا به شمار رفته و وظیفه آن صیانت از منافع آزمندانۀ آن قدرت امپریالیستی در سطح جهان می باشد، لذا باید این نکته را نیز متوجه بود که اهداف ستراتیژیک و تاکتیکی "سی.ای.ای" به غیر از تحقق بخشیدن به اهداف امپریالیزم امریکا در هر دو سلاحه و دفاع از منافع دنیای سرمایه درکل، چیزی دیگری نمی باشد.

چنین طرز دیدی به انسان می آموزاند تا نخست به این پرسش پاسخ ارائه دهد، که امپریالیزم امریکا در افغانستان به دنبال چه چیزی بوده و برای چه کشور ما را نابود کرده و مردم ما را به قتل می رساند؟ به منظور آنکه بدین پرسش پاسخ مشخص و کامل ارائه شده بتواند، فکر می کنم نخست باید اهداف امریکا را در افغانستان و منطقه به دو بخش خلاصه نمود:

۱- اهداف امپریالیزم امریکا در صورت حفظ نقشه جغرافیائی منطقه

۲- اهداف امپریالیزم امریکا در صورت تغییر نقشه جغرافیائی منطقه

قبل از آنکه این بحث را از نزدیک مورد مذاقه قرار دهیم لازم است تذکر دهیم، که نه تنها امپریالیزم امریکا بلکه تمام کشور های قدرت مند جهان قادر اند تا در عین زمان چندین هدف و ستراتیژی را که گاهی حتا متضاد و بدیل همدیگر نیزاند، همزمان تعقیب نموده بدان وسیله در صد غافلگیری شان را در قبال تغییر اوضاع کاهش دهند.

۱- اهداف امپریالیزم امریکا در صورت حفظ نقشه جغرافیائی منطقه:

به صورت فشرده در این رابطه می توان نوشت:

الف :- نخستین هدف امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء از اشغال افغانستان، تسلط بر این کشور و به انقیاد کشانیدن کامل و همه جانبه آن می باشد. آنچنانیکه بر تمام هست و بود آن به مانند مایملک خویش دسترسی و اشراف داشته باشد.

ب :- به دنبال سلطه بر افغانستان، تلاش به خاطر ایجاد آنچنان پایگاهی که در دراز مدت بتواند نیازمندی های امپریالیستی را در تمام زمینه ها پاسخگو باشد.

پ :- از طریق ایجاد پایگاه های متعدد و یا در مجموع افغانستان را به یک پایگاه مبدل ساختن، بر همسایه های افغانستان در شمال، شرق، غرب و جنوب این کشور اعمال نفوذ نموده در تمام زمینه ها قصد کنترل آنها را نماید.

ت :- تلاش به منظور بسط سلطه امپریالیستی در ورای سرحدات افغانستان و تاراج منابع طبیعی آنها.

ث :- تمام کشور های همجوار افغانستان را به مارکیت مواد تولیدی خویش مبدل ساختن.

ج :- تمام رقباء را از صحنه رقابت بیرون انداختن

چ :- و ...

در صورتیکه بتوان موارد تذکار یافته را به تنها بخشی از اهداف امپریالیستی در افغانستان خلاصه نمود، الزام آور می گردد که تمام نیروهای امریکائی در افغانستان، به هر شکل و شمائل و زیر هر پوششی که به فعالیت مشغول باشند، در مجموع به خاطر تحقق همان اهداف مشغول کار بوده و نمی توانند، به کار دیگری در خلاف آن ستراتیژی مبادرت بورزند. در نتیجه می توان گفت که عمده کار "سی.ای.ای" در زمینه های فوق اختصاص یافته و به مانند ارتش آن کشور، سخت در تلاش است تا سهم خویش را در تحقق ستراتیژی غارتگرانه امریکا به درستی انجام دهد.

چنانچه در کنار ارتش امریکا و به موازات کار آن، در زمینه نخستین هدف امپریالیزم امریکا که تسلط کامل بر تمام افغانستان و به انقیاد کشانیدن مردم آن است، "سی.ای.ای" به علاوه آنکه در هر ۳۴ ولایت افغانستان مراکز اصلی خویش را به وجود آورده تا تمام تحرکات مردمی را تحت کنترل خویش در آورد، حتا در برخی از ولسوالی ها نیز تشکیلات خویش را ایجاد کرده، و هیچ گونه مخفی کاری را در قسمت گسترش آن الزام آور نمی بیند و آنها را تا سرحدی که حتا از طریق تلویزیونهای مربوط به خود به غرض جذب افراد جدید به تبلیغ علنی نیز دست می یازد. درواقع چنین عملی عمق فاجعه را می رساند چه در کشوری که بردن نام جاسوس انسانها را از حیات اجتماعی ساقط می ساخت، قباحات چنان قبح خود را از دست داده است که به صورت علنی برای استخدام به جاسوسی تبلیغ می گردد بدون آنکه کمترین عکس العملی علیه آن نشان داده شود.

"سی.ای.ای" در این زمینه یعنی تسلط کامل بر افغانستان علاوه از ایجاد شبکه های اطلاعاتی، در بخش نظامی نیز سخت فعال بوده، خلاف ارتش اشغالگر روس که در همچو موارد بیشتر نقش "جی.آر.یو." یعنی استخبارات ارتش آن کشور عمده بود، تمام مسؤولیت های کشف و استخبارات نظامی را نیز خود به عهده گرفته، در حقیقت استخبارات و زارت دفاع آن کشور "Defense Intelligence Agency" و جنرال سه ستاره ایکه "تورن جنرال" در رأس آن قرار دارد، را در همچو موارد به صفر ضرب می زنند.

کار آنها در این زمینه محدود به امر دفاعی نشده بلکه از طریق نفوذ و تهیه گزارش از مخالفین مسلح و سایر دشمنانش، در مواقع لازم آنها را زیر ضربت قرار می دهد، فاجعه های، بالا بلوک، کنر ها، ننگر هار و سایر مناطق نمودی از کار جنایتکارانه "سی.ای.ای" است که تا حال به قیمت جان ده ها هزار تمام شده است.

تنظیم چنین عملیاتی محدود به افغانستان نشده بلکه همه، هر روز شاهد آن هستیم که طیارات بدون پیلوت امریکائی چگونه قراء و قصبات مختلف مردم را در وزیرستان جنوبی به خاک یک سان می نماید. در واقع پشت سر تمام این جنایات در داخل و خارج از افغانستان، کسی به غیر از "سی.آی.ای" نیستاده است. این "سی.آی.ای" است که با گزارش های خود در واقع امر به کشتار انسانها را صادر می نماید.

از آن گذشته "سی.آی.ای" به خاطر رسیدن بدین هدف، سیستم زنجیره ئی از زندان های مخفی و علنی را در سرتاسر کشور به وجود آورده که از نخستین روز دستگیری تا نهایت کار، زندانی در اختیار این نهاد جهمی قرار داشته بدون آنکه اندکترین پاسخگوئی در قبال قضایا داشته باشد هزاران انسان را در بند و زنجیر و با بدترین شرایط از آزادی و حتا حیات محروم می نماید.

اگر قرار باشد صرف بر پایه همین نقش "سی.آی.ای" هم قضاوت صورت گیرد، ادعای اینکه افراد مربوط به آن گویا "ملکی" بوده و نباید با اسلحه با آنها برخورد نمود، ادعای سخیفی است که فقط انسان شرفباخته چون "اوباما" می تواند بلند گوی آن باشد. این بی آرم تاریخ فکر می کند همینکه کسی لباس نظامی برتن نکند، آدم ملکی باقی می ماند، او نمی خواهد قبول کند که فعالیت ملکی چیز نیست و به حیث نیروی کشف نظامی کار کردن و زمینه خونبار ترین عملیات نظامی را مساعد ساختن چیزی دیگر، این شارلطان نمی خواهد قبول کند که وقتی کسی "سر قومندان اعلی مدش ترین و قوی ترین ارتش جهان" باشد و صلاحیت آنرا داشته باشد تا با یک امضاء بیش از ۳۰ هزار قاتل را در جلو چشم تمام مردم جهان به قتل و کشتار بی گناهان توظیف نماید، حتا اگر در تمام عمر خود یک روز هم لباس نظامی بر تن نکرده باشد، به نسبت عملکرد خویش محکوم است تا در یک دادگاه نظامی، پاسخگوی تصامیم جنایتکارانه خویش باشد.

در نتیجه گفته می توانیم که اولین هدف "سی.آی.ای" در افغانستان، به انقیاد کشانیدن مردم افغانستان و تسلط کامل بر این کشور است.

برای "سی.آی.ای" اگر از یک جانب تسلط بر افغانستان و به انقیاد کشانیدن مردم آم یکی از اهداف حضور آن نیروی جنایتکار در افغانستان را می سازد از جانب دیگر، همان تسلط کامل و تکمیل انقیاد می تواند به مثابه وسیله ای مورد نظر باشد که با در دست داشتن آن، نیاز مندیهای منطقه ئی امپریالیزم جنایت گستر امریکا را در منطقه بر آورده می سازد.

"سی.آی.ای" با تسلط بر افغانستان می خواهد، چنان نیروئی را در این بخش از جهان سازمان دهی نماید که در موقع ضرورت بتواند به مثابه دست دراز آن نیروی جهمی، تار و پود این خطه را به لرزه بیفکند. درست همان کاریکه موجودیت واحد های آن سازمان در کوریای جنوبی تا به امروز انجام داده است. همان کاریکه یک شاخه آن در خاور میانه در وجود اسرائیل و "موساد" انجام داده است، همان کاریکه واحد دیگر آن از طریق شیلی دیروز و کولمبیای امروز در امریکای لاتین همه روز انجام می دهد.\*

"سی.آی.ای" می خواهد، با ایجاد همچو یک پایگاهی در افغانستان، در شمال کشور های آسیای میانه، در شمال شرق چین، در شرق و جنوب پاکستان و در غرب ایران را از آن طریق زیر فشار قرار داده با دامن زدن بی ثباتی در آن کشور ها منافع غارتگرانه استعماری خویش را بر آورده سازد، اینکه تأمین این منافع به قیمت جان چه تعداد انسان تمام می شود برایش مهم نیست، چه تعداد خانه و کاشانه به ویرانی کشانیده می شود برایش اهمیت ندارد، مهم آن است که سلطه استعمار در آنجا ها استحکام یافته و منافع آزمندانۀ امپریالیزم برآورده گردد. چه "سی.آی.ای" به مثابه بخشی از یک ماشین مدش آدمکشی، موظف است تا آسیاب استعمار را همیشه در حرکت نگهدارد چیزیکه

مطلقاً نزد آن اهمیت ندارد، مایعی است که آسیاب را به حرکت می آورد، خون ملیونها انسان و یا آب از نظر "سی.آی.ای" هیچگونه تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

این تسلط بر کشور های همسایه افغانستان بازم از هدف به وسیله و ابزار تحقق اهداف دیگری مبدل می گردد، اهداف غارت منابع طبیعی آن کشور ها و به بازار فروش مواد صنعتی خویش مبدل ساختن آنها.

با در نظر داشت اهدافیکه "سی.آی.ای" در افغانستان و منطقه دنبال می نماید، مبرهن است که جهت رسیدن به هریک از آنها می باید ده ها سازمان و نهاد متنوع را به وجود آورد تا هریک به نوبه خویش بخشهایی از آن دریای خون را حفاری نمایند، به صورت مثال هرگاه برای کشف و ضربت زدن نیروهای مسلح رقیب، به واحد های استخباراتی از نوع خیرچین های عادی نیازمند است و کوهواره جنایات شان را بر روی گزارشهای آنها بنا می نهند، برای غارت منابع طبیعی آن کشور و صدور مواد صنعتی خویش، به تجارتخانه ها، شرکت های سهامی و بانکهایی نیاز دارد تا بتوانند بدون آنکه کمترین جلب توجهی را باعث گردند، زیر نام به اصطلاح "انسان های یخن اتو کشیده شده" پایه های سلطه و نفوذ امپریالیزم جنایت گستر امریکا را مستحکم نمایند.\*

## ۲- اهداف امپریالیزم امریکا در صورت تغییر نقشه جغرافیائی منطقه:

حالت دیگریکه امپریالیزم امریکا هیچ گاهی آنرا از دیده فرو نگذاشته است، داشتن یک بدیل در صورت شکست برنامه های فعلی وی می باشد. بدین معنا که هرگاه امپریالیزم قادر نگردد اهداف تجاوز کارانه و انقیاد طلبانه خویش را متحقق سازد و جنبش مردم افغانستان نیز از سمت و سوی انقلابی، آزادیخواهانه، دموکراتیک و وحدت طلبانه برخوردار نباشد، تا با ناکام ساختن امپریالیزم، برنامه های آزادیخواهانه و انقلابی خویش را در دست اجراء قرار دهد، امپریالیزم این امکان را می یابد تا به خاطر تسلط بر منطقه دریائی از خون را به راه انداخته با "یوگوسلاوی ساختن" افغانستان، آنرا به احاد قومی و ملیتی تجزیه نماید.

امپریالیزم این نکته را در عمل آموخته است که وقتی در کنترل یک قدرت مرکزی و مقتدر ناکام ماند، یکی از گزینه های می تواند پارچه ساختن آن واحد و به دنبال آن غارت نمودن جمعی آن باشد. درست عین کاریکه در یوگوسلاویا انجام دادند و می خواستند بالای "چک" و "سلواک" نیز عملی نمایند که در نتیجه عقب نشینی اجباری مقامات رهبری "چکسلواکیا"ی آنروز این توطئه بدون خونریزی امکان عملی شدن یافته، امپریالیزم به اهداف خویش دست یافت.

این سیاست در کشوری مثل افغانستان که از یک جانب خود از دید ترکیب نفوسی بنا بر ترکیب زیبای استاد سخن آقای "معروفی" "گلستان اقوام" که نشان از تبحر و درایت ایشان در کاربرد کلمات دارد، نامیده شده؛ و از جانب دیگر تا حدود ساختار نفوسی اکثر همسایه های افغانستان به خصوص در شرق، جنوب و غرب از عین ویژگی برخوردار است و می تواند در شرایطی به دریائی از خون و کوهی از آتش بینجامد، یکی از آن بدیل ها نزد امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء بوده، با تأسف سطح نگری شبه روشنفکران افغانستان به آنها این اجازه را نمی دهد تا در قبال این سیاست برخورد افشاء گرانه لازم نموده توده های ملیونی کشور را علیه آن بسیج نمایند.

به صورت مثال می توان از نقش دوگانه امپریالیزم در قبال انتخابات تقلبی اخیر و تقلبی که در آن صورت گرفت یاددهانی نمود.

وقتی هولبروک به عبدالله عبدالله و معلم عطاء در مزار غم شریکی اعلام داشته و به اصطلاح از ایشان غیر مستقیم حمایت می نماید و در عین حال، بازی مشابه را با کرزی نیز در سطح دیگری به پیش می برد، کافیسست که سطح شعور اندکی از یک الاغ بالاتر باشد تا به اهداف پشت پرده آنها ظنین شد، و اما اینکه آنها نمی دانند و یا می دانند و

آگاهانه در همان مسیر گام می‌گذارند، صرف نظر از اندازه شعور، وابستگی مفرط آنها به استعمار علت آن می‌باشد و یا اینکه هرگاه در قرن بیست و یک در کشورهایی که بیش از ملیونها ازدواج مختلط مذهبی در آن وجود داشته و به ملیونها طفل دارای پدران و مادرائی اند که هر دو دارای یک مذهب نیستند، مانند "خامنه ای" جلاد با سنگر گرفتن در عقب "امام جعفر صادق" در کتاب توضیح المسائل خود ازدواج مختلط بین شیعه و سنی را مجاز نداند و یا کس دیگری مانند داکتر "ملازاده" با سنگر گرفتن در عقب مذهب حنفی و "امام اعظم" ضمن پاسخ به یک پرسش، مشوره به انجام ازدواج مختلط بین شیعه و سنی ندهد، به هر لباسی که خود را پیچانیده باشند، انسان‌های حقیری اند که آگاهانه در خدمت استعمار و امپریالیزم عمل کرده و تیشه بر ریشه وحدت ملی کشورها وارد می‌نمایند. در این جا برای من نوعی که این عبارات را می‌نویسم تصمیم "امام اعظم" و "امام جعفر صادق" اگر احياناً هر دو نفر با نمایندگان امروزی شان صد در صد هم موافق باشند پیشیزی ارزش نداشته و نمی‌تواند داشته باشد. چه برای منی که در قرن بیست و یک زندگی می‌نمایم و وقتی جایش بیاید حرف از کوچک شدن جهان و به مثابه یک دهکده در آمدن آن به میان می‌آورم چیزی خجالت آور تر از آن نمی‌توان سراغ گرفت که به قرن‌ها عقب رفته اختیار حیات خویش را به دست انسانهایی بدهم که احکام خویش را سیزده قرن قبل صادر نموده اند. با چنین حرکاتیست که "سی.آی.ای" زمینه‌های یوگوسلاوی ساختن افغانستان و کشور های منطقه را مساعد ساخته و متناسب با آن تشکیلات مربوط بدان را به وجود می‌آورند.\*\*\*

ادامه دارد

---

\*- از آنجائیکه در اخیر مقال تصمیم دارم تا جنایات "سی.آی.ای" را از زمان ایجاد آن تا اکنون در حد توان به صورت جامع یاد آوری نمایم، لذا آگاهانه در این مبحث زیاد به باز ساختن موضوع اقدام نورزیدم، امید است خوانندگان محترم این نوشته، با من تفاهم داشته باشند.

\*\* - در قسمت های بعدی لست عده زیادی از نهادهایی که در اصل از طرف "سی.آی.ای" تمویل، اداره و کنترل می‌گردند اما در ظاهر آن تعلق هویدا نیست، این بحث را کامل خواهد نمود.

\*\*\* - در قسمت های بعدی وقتی مبحث شیوه های کار و تاکتیک های "سی.آی.ای" مورد بررسی قرار می‌گیرد، به این بحث باز خواهیم گشت.